



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



آخرين فروغ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آخرین فروغ

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مشعل آزادی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	آخرین فروغ
۶	مشخصات کتاب
۶	سرآغاز
۷	نوید
۹	تولد
۱۱	غیبت صغری
۱۳	غیبت کبری
۱۴	مهدی نماها
۱۸	شیعه در غیبت امام
۱۹	پاورقی
۲۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

آخرین فروغ

مشخصات کتاب

- عنوان و نام پدیدآور: آخرین فروغ.
- مشخصات نشر: [بی‌جا، ۱۴۰۱ق = ۱۳۵۹] (بی‌جا): مشعل آزادی (چاپخانه)).
- مشخصات ظاهری: ۸۴ ص.؛ ۱۲×۱۹/۵ س.م.
- وضعیت فهرست نویسی: برون‌سپاری.
- یادداشت: چاپ دوم.
- یادداشت: کتابنامه: ص. [۷۳] - ۸۴.
- موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -- سرگذشتنامه
- موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -- غیبت
- موضوع: مهدویت -- انتظار
- رده بندی کنگره: ۱۳۵۹ ۳۲/BP۵۱
- رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۹
- شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۰۷۳۸۴

سرآغاز

شکوه جشن‌های فرخنده‌ی نیمه‌ی شعبان، همه‌جا نمایان است؛ همه‌جا را آذین بسته‌اند؛ همه‌جا مجالس جشن و سرور به چشم می‌خورد؛ همه‌جا شور و شعف شیعیان در بزرگداشت این روز فرخنده جلوه‌گر است... راستی این چه روزی است که این چنین مورد تکریم مردم قرار می‌گیرد و این چه عظمت و شکوهی است که شبه آن را نمی‌توان یافت... نیمه شعبان روزیست که شیعه نویدهای پیام‌آوران [صفحه ۸] الهی را تحقق یافته می‌بیند، روزیست که بشارتهای اسلام و قرآن و احادیث ائمه طاهرین بوقوع می‌پیوندد؛ روزی که «مولودش» شرق و غرب عالم را بزیر بال عدالت خود می‌آورد و عفریت کفر و بی‌دینی، بدست توانایش نابود می‌شود. آخرین گوهر تابناک الهی در چنین روزی پای بر این پهنه‌ی گیتی نهاده است، آنکس که سرنوشت نبرد طولانی حق و باطل را رقم خواهد زد و با ظهور خود حق را پیروز و باطل را نابود خواهد ساخت؛ همانکس که اراده‌ی خداوندی را - که چیره گردانیدن حق بر مرام‌های پوشالی است - تحقق می‌بخشد و دنباله‌ی هدف رسالت پیامبر آخرین را به انجام می‌رساند. هم او جهل و نادانی را بزداید؛ امتیازات پوچ و بی‌معنی طبقاتی را نابود سازد، حکم مساوات و برابری انسانها را جاری کند، ذخائر زیرزمینی را بیرون آورد و افراد فقیر را بی‌نیاز و مستغنی نماید... در آن هنگام اشک‌های شوق و خرسندی بر گونه‌های مشتاقان می‌چکد و چشمان بی‌فروغ و ماتم‌زده‌ی منتظران پر از روشنائی و نور می‌گردد. اعتقاد به «مهدویت» از اصیل‌ترین و ریشه‌دارترین [صفحه ۹] باورهای اسلامی است و کسی که آشنائی مختصری با معارف اسلامی داشته باشد، به این مطلب اقرار خواهد داشت. از آنجا که شناسائی «رهبر زمان» حضرت مهدی (ع) بر هر مسلمانی واجب است، در این نوشتار سعی شده - هر چند بطور خلاصه - تاریخچه‌ی این اعتقاد اصیل را مورد بررسی قرار داده، معرفی‌نامه‌ای کوتاه از زندگی آن حجت حق را ارائه دهیم، باشد که این «گرد آمده» همانند هدیه‌ی «موری ناچیز» به پیشگاه «سلیمان زمان» پذیرفته‌ی درگاه مقدسش گردد. نیمه شعبان ۱۳۹۶ [صفحه ۱۰]

نوید

بی‌گمان قرآن کتاب خداست، تمامی مسلمانان جهان تعالیم و دستورهای این کتاب را بگوش جان می‌پذیرند. آن هنگام که این کتاب را گشوده و به آیات آن نظری می‌افکنیم، با دورنمایی روشن و گویا از آینده و سرانجام جامعه‌ی جهانی مواجه می‌شویم که فوق‌العاده شورانگیز و هیجان‌آفرین است. قرآن مجید می‌گوید هدف نهائی رسالت پیامبر گرامی اسلام، استیلا و چیرگی این آئین مقدس، بر تمامی ادیان است. و سرانجام روزی این آرمان مقدس الهی تحقق خواهد پذیرفت: «خدا کسی است که پیامبرش را با دلائل روشن به [صفحه ۱۱] سوی مردم گسیل داشت تا آنکه در نهایت، دینش را بر تمامی ادیان گیتی چیره گرداند، اگر چه مشرکان را خوش نیاید.» کتاب آسمانی آخرین پیام‌آور الهی مژده می‌دهد که سرانجام حکومت زمین از آن نیکوکاران و پرهیزکاران خواهد شد: «زمین از آن خداست، بهر که بخواهد واگذار می‌کند و سرانجام، نصیب پرهیزکاران خواهد کرد.» [۱].

زمین پر از فساد و جهل و تباهی، که همچون پیکر بی‌جان و بی‌روحي است، بفرموده کتاب خدا با پرتو تابان و فروزنده‌ی عدالت زنده خواهد شد. [۲]. هم‌چنین در آن کتاب مقدس می‌خوانیم: «خداوند به مؤمنان درست کردار وعده فرموده است که از ایشان گروهی را به خلافت رساند همانگونه که پیشینیان را خلیفه گردانید و دینی را که خود از آن خشنود است پابرجا نماید، ترس و خوف اهل ایمان را به امن و آسایش تبدیل نماید تا در آن هنگام - بی‌هیچ بیم - تنها خدای را بپرستند.» [۳]. و باز خداوند کریم می‌فرماید: [صفحه ۱۲] «می‌خواهند نور هدایت الهی را با دهانشان خاموش کنند اما پروردگار هدایتش را بتمامی کامل خواهد ساخت اگر چه کافران را خوش نیاید.» [۴]. اینها نمونه‌های مختصری است از انبوه بشارت‌های الهی که در قرآن مجید آمده است، با مطالعه این موارد ده‌ها نظیر آن درمی‌یابیم که رسالت اسلام آن هنگام تحقق کامل می‌پذیرد که چنین آرمانهای مقدس الهی رخ بنماید؛ تمامی مرام‌های باطل و خرافی از میان برخیزد و تنها اسلام - این یگانه آئین راستین آسمانی - در شرق و غرب عالم، مورد اعتقاد و ایمان مردم گردد، ظلم و جفا و اجحاف و نابرابری نابود گردد و همه جا عدالت و مساوات که قانون آفرینش جهان است جاری شود، حکومت خلفاء الهی که دامنه‌اش کران تا کران زمین است نمایان گردد؛ نور هدایت خدا به تمامی جلوه کند و زمین از آن پرهیزکاران شود. آری قرآن بشارت می‌دهد که چنین روزی خواهد آمد و تمامی مسلمانان جهان با اشتیاق کامل، منتظر چنین روزگاری می‌باشند. پس از قرآن کریم گران‌بهاترین و پراج‌ترین گنجینه‌ی [صفحه ۱۳] معارف اسلامی، گفتار پیامبر اکرم و امامان گرامی است. برای یک فرد مسلمان، تبعیت و پیروی سخنان پیامبر و ائمه دین واجب و ضروری است بخصوص که در کتاب خدا صریحا فرمان اطاعت از پیامبر و ائمه معصومین آمده است. [۵]. در دریای گهربار احادیث اسلامی نیز، نویدهای حکومت عدل و داد به چشم می‌خورد، علاوه بر آن، ویژگیها و خصوصیات این «انقلاب الهی» گوشزد گردیده و آن رهبر الهی که عهده‌دار بانجام رساندن چنین آرمان مقدسی است، معرفی شده است. پیامبر گرامی اسلام می‌فرمود: «اگر بیش از یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی گرداند تا فردی از خاندان من به پا خیزد، که نامش نام من «محمد» و کنیه‌اش کنیه من «ابوالقاسم» است، وی جهان را پر از عدل و داد کند به همانگونه که پر از ظلم و جور شده باشد.» [۶]. مضامین این حدیث پرارزش که بیش از هر چیز دیگر بیان یک بشارت قطعی، و آگاه کردن مردم از حکومت عدل و داد و تحقق وعده‌های الهی است، در اغلب منابع حدیث شیعه و سنی آمده است. [صفحه ۱۴] در روایت دیگری پیامبر اکرم به حضرت امیر مؤمنان علی (ع) اینگونه می‌فرماید: «امامان پس از من دوازده نفرند که اولیشان تو هستی ای «علی» و آخرینشان «قائم» است همان کس که خداوند بزرگ شرق و غرب زمین را به دستش فتح خواهد کرد.» [۷]. ائمه اطهار (ع) نیز ضمن احادیث متعددی، مردم را به اهمیت «وعده الهی» و «حکومت دوازدهمین وصی و جانشین پیامبر اکرم» متوجه گردانیده و خود را از مشتاقان ظهور امام دوازدهم معرفی کرده، و انتظار فرج آن بزرگوار را پراج‌ترین اعمال، و شیعیان و جانبازان آن حضرت را نیکوترین و گرامی‌ترین افراد بشر بشمار آورده‌اند. ما برای اینکه نمونه‌ای از این روایات را بدست داده باشیم به ذکر چند مورد از آنها اکتفا می‌کنیم: ۱ - هنگامی که امام حسن مجتبی

(ع) به خلافت نشست با معاویه منافق و دورو، مصاف داد، اما وی به دستگیری وزیر حيله گرش به تدریج یاران امام حسن (ع) را فریفت و امام تنها و بی‌یاور ماند، ناچار در مقابل صلح‌نامه‌ی معاویه که در آن متعهد شده بود وظایفی را انجام دهد و پس از خود جانشینی تعیین نکند، شمشیر برنیآورد، اما خود به موقع، [صفحه ۱۵] اشتباهات و اعمال ناشایست معاویه را گوشزد می‌نمود و مردم را آگاه می‌ساخت؛ در این میان برخی از مردم نادان، خرده‌گیری بر امام آغاز کردند که چرا صلح را پذیرفته است؟! حضرت امام حسن (ع) پس از آنکه معنای امام و رهبر را روشن می‌سازد و اینکه نباید در فرمان امام، که تمامی مصالح را دربر دارد چون و چرا کرد، مسأله حکومت امام دوازدهم را چنین بیان می‌فرماید: «آیا نمی‌دانید که هر یک از ما ائمه بیعت گردن‌کش زمان را بگردن دارد، جز قائم ما که عیسی روح‌الله با او نماز می‌گزارد و خداوند ولادت او را از مردم پوشیده می‌دارد و خود وی از نظرها پنهان خواهد شد تا چون ظهور کند بیعت هیچ کس در گردن وی نباشد، او نهمین فرزند برادرم حسین پسر شهزاده‌ای اسیر است، خداوند در دوران غیبت، عمر او را طولانی گرداند، آنگاه با قدرت کامله‌ی خود بصورت جوانی که کمتر از چهل سال داشته باشد ظاهر سازد تا همه بدانند که خداوند بر همه چیز تواناست.» [۸]. ۲ - حضرت امام صادق (ع) در پاسخ یکی از شیعیان خود که از جانشین آن حضرت پرسیده بود فرمود: [صفحه ۱۶] «امام بعد از من فرزندم موسی است و امامی که همه آرزو دارند ظهور کند «محمد» فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی است.» [۹]. هم‌چنین از آن حضرت نقل شده که مکرر این کلمات را بیان می‌فرمود: «هر گروهی از مردم منتظر دولتی هستند و دولت ما در آخر الزمان آشکار خواهد شد.» [۱۰]. ۳ - امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام در پاسخ یکی از یاران خویش که گفته بود آیا تو قائم به حق هستی؟ فرمود: «من قائم به حق هستم، لیکن آن قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک می‌نماید و از عدل و داد پر می‌کند، پنجمین فرزند من است، چون بر جان خویش بیمناک است مدتی طولانی پنهان می‌گردد؛ در عصر غیبت گروهی از دین خارج می‌شوند ولی عده‌ای هم در عقیده خویش پایدار می‌مانند.» و آنگاه فرمود: «خوشا به حال شیعیانی که در زمان غیبت امام زمان (ع)، به ولایت ما چنگ زنند و بر دوستی ما و بیزاری از دشمنانمان، ثابت قدم بمانند، آنان [صفحه ۱۷] از ما هستند و ما از آنهایم، آنان به امت ما راضی شده‌اند، ما نیز از پیروی آنها خشنودیم، پس خوشا به حالشان، بخدا سوگند در درجات بهشت با ما خواهند بود.» [۱۱]. ۴ - و سرانجام پیشوای یازدهم حضرت امام حسن عسکری (ع) فرموده است: «گویا شما را می‌بینم که در جانشین من اختلاف نموده‌اید ولی آگاه باشید هر کس به امام‌های بعد از پیغمبر ایمان داشته باشد، اما امامت فرزند مرا منکر شود مانند کسی است که نبوت تمام پیامبران را انکار کند، زیرا اطاعت آخرین امام، مثل اطاعت اولین امام ماست، پس هر کس آخرین فرد ما را منکر شود مانند کسی است که اولین امام را انکار نموده باشد، بدانید که غیبت فرزندم به قدری طولانی می‌شود که مردم در شک واقع می‌شوند، مگر افرادی که خدا ایمانشان را نگهداری کند.» [۱۲]. احادیثی که از پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار، در زمینه معرفی دوازدهمین امام، در دست است ما را به اهمیت این اعتقاد اصیل کاملاً آشنا می‌سازد؛ زیرا که تعداد این [صفحه ۱۸] احادیث بسیار زیاد است، بگونه‌ای که می‌توان گفت مهمترین و بیشترین احادیثی که در بحث امامت کتب روایت شیعه آمده، پس از مسأله وصایت حضرت امیر (ع)، موضوع امامت و حکومت امام دوازدهم و شؤون مربوط به آن است؛ شماره‌ی این احادیث که در کتب هر دو گروه شیعه و سنی آمده، بیش از صدها حدیث می‌گردد؛ [۱۳]؛ بسیاری از علمای بزرگ اسلامی از هر فرقه و مذهبی که بوده‌اند در این زمینه کتاب‌های مستقلی تدوین کرده‌اند، شماره‌ی این کتاب‌ها نیز خود بالغ بر ده‌ها جلد می‌گردد. [۱۴]. سالهای امامت پیشوایان اسلام که همراه با ستمکاری‌های حکام زمانشان بود یکی پس از دیگری می‌گذشت تا اینکه نوبت به امام حسن عسکری (ع) رسید، آن حضرت که در روزگار سختی می‌زیست در مجامع عمومی کم‌تر ظاهر می‌شد و فرزند گرامی خود را، که آخرین حجت الهی است از انظار اغیار پنهان می‌داشت، تا آن که در سال ۲۶۰ هجری آفتاب وجودش غروب کرد، در حالی که چشم‌های همه به در خانه‌ی امام مهدی (ع) دوخته شده بود: خلفاء و ستمکاران برای آنکه حضرتش را نابود سازند، و شیعیان و دل‌باختگان برای آنکه جان در رهش

بازند. [صفحه ۱۹]

تولد

در پگاه نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ هجری، آفتاب عالم‌تابی رخ نمود که پرتوهای پرتوانش رمق در کالبد انسانیت دمید، و مایه‌ی هستی کائنات گردید... آری سرانجام وعده‌های الهی علیرغم اقدامات منکران حضرتش، به وقوع پیوست و حضرت مهدی (ع) متولد گردید. براستی داستان کوشش‌های خلفاء اموی و عباسی و مخالفین آن حضرت، که مذبح‌خانه برای خاموش کردن نور خدا قیام کردند و مفتضحانه کارشان به ناکامی کشید، از شگفتیهای بس عجیب تاریخ است. [صفحه ۲۰] خلفاء ظالم و جبار بنی‌عباس شنیده بودند که دوازدهمین امام شیعیان حکومت عدل و داد برپا می‌نماید و بر شرق و غرب عالم فرمانروائی کرده و بنیاد ظلم و بیداد را ویران خواهد نمود، باین جهت تا می‌توانستند بر شیعیان آزار و شکنجه‌ی رومی داشته و خون ایشان را می‌ریختند. حالات این شیعیان شهید را در کتاب‌هایی که در همین موضوع و در همان دوران تدوین یافته، می‌توان یافت. [۱۵]. متوکل عباسی به جهت آنکه امامان شیعه از مقرر حکومتش دور نباشند و همواره ایشان را تحت نظر قرار دهد، در سال ۲۳۵ هجری فرمان داد تا امام دهم، حضرت هادی (ع) و بستگانش را از مدینه به سامرا آوردند. [۱۶]. هم‌چنین معتمد عباسی فرعون‌وار از فرزند عسکری (ع) بیمناک، و همواره در پی یافتن حضرتش بود! گروهی مفتش و قابله را مأمور کرده بود که خانه‌های علویین و بویژه منزل حضرت امام حسن عسکری (ع) را گاه و بی‌گاه بازرسی کنند تا اگر نوزادی یافتند بی‌درنگ نابودش سازند. [۱۷]. این بی‌جوئی برای دست یافتن به امام و نابود ساختن حضرتش، زمانی شدت می‌یابد که امام حسن عسکری (ع) دعوت الهی را اجابت کرده و به سرای جاودان می‌شتابد، در این هنگام کار دشوارتر می‌گردد، زیرا همگان می‌دانند [صفحه ۲۱] که در این تاریخ، امر امامت به امام دوازدهم (ع) سپرده شده و در تحت سرپرستی آن سرور گیتی می‌باشند. شیخ صدوق دانشمند والامقام جهان تشیع در کتاب کمال‌الدین می‌نویسد: «وقتی که جسد امام حسن عسکری به خاک سپرده شد و مردم پراکنده شدند، خلیفه و یارانش برای جستجوی فرزند برومند آن حضرت اقدام کردند و خانه‌ها را دقیقاً مورد تفتیش قرار دادند.» [۱۸]. نیز شیخ مفید عالم برجسته شیعه در کتاب ارشاد می‌نگارد: «وقتی امام حسن عسکری وفات یافت، خلیفه آن زمان، فرزند امام حسن عسکری (ع) را شدیداً تعقیب می‌کرد و راجع به امر آن حضرت کوشش زیاد می‌نمود، زیرا عقیده شیعه امامیه درباره‌ی مهدی (ع) شیوع پیدا کرده و معروف بود که شیعیان در انتظار آن حضرت هستند.» [۱۹]. معتضد یکی دیگر از خلفای ستمکار عباسی بود، وی از سال ۲۷۹ تا ۲۸۹ هجری خلافت داشت و چون شنید علیرغم کوشش‌های خلفای پیشین، فرزند امام حسن عسکری [صفحه ۲۲] بیش از بیست سال است که تولد یافته و به حیات خود ادامه می‌دهد، به یکباره تصمیم گرفت که تمامی خاندان عسکری را از بین ببرد. یکی از ایادی و عمال معتضد چنین می‌گوید: «معتضد مرا با دو نفر دیگر مأمون نمود تا هر یک سوار اسبی شده و اسب دیگری نیز همراه خود برداریم و با شتاب تمام که حتی برای نماز خواندن هم پیاده نشویم به سامرا رویم و نشانی خانه حضرت عسکری را به ما داد و گفت بی‌اجازه داخل خانه شوید و هر که را در آنجا بیابید سرش را برای من آورید.» [۲۰]. غافل از آنکه، همان قدرتی که حضرت را از آسیب خلفاء قبل از او حفظ کرده از گزند وی نیز در امان خواهد داشت، زیرا «خداوند نور هدایتش را کامل خواهد ساخت، اگر چه کافران را ناخوش آید.» راستی که چه خیال خام و چه کردار ابلهانه‌ای! آیا اگر اراده خداوندی بر امری تعلق گیرد کسی توان گردنکشی و مبارزه‌ی با آن را خواهد داشت؟ آیا ممکن است وعده‌های قطعی الهی تحقق نپذیرد؟ و شیادان زورگو عنان گسیخته، با مقدرات و سرنوشت رقم خورده الهی به پیکار برخیزند؟! شگفت‌انگیزتر آنکه پروردگار بی‌همتا بارها پیش از [صفحه ۲۳] این قدرت خود را نشان داده، تا از آن پس همگان بدانند که اگر او بخواهد بنده‌ی برگزیده خود را حکومت و فرمانروائی دهد و بوسیله او کفر و بی‌دینی را نابود سازد هیچکس نمی‌تواند در امر او خللی وارد آورد. چه بهتر که این داستان شورانگیز را در قرآن مجید بخوانیم. فرعون امپراطور

بزرگ مصر - همان که از فرط اقتدار و غرور ادعای الوهیت داشت - بر آن شد تا تمامی جوانان و فرزندان بنی اسرائیل را بکشد زیرا شنیده بود: فرزندی دنیا خواهد آمد که امپراطوری و الوهیتش را ویران خواهد کرد. خون‌های بی گناهان را ریخت و انسان‌ها را به دیار عدم فرستاد، اما بنگرید که چگونه خدای بزرگ پیامبرش را نگاهداری می‌کند و چگونه اراده خداوندی که بر حیات موسی (ع) و نابودی فرعون قرار گرفته به تحقق می‌پیوندد، «و ما به مادر موسی وحی کردیم که فرزندان را شیر ده و هنگامی که ترسیدی، او را به دریا بیفکن و مترس و اندوهگین مباش که ما او را به سوی تو باز خواهیم گرداند و او را از پیامبران قرار خواهیم داد... آنگاه فرعونیان او را از آب برگرفتند، کسی را که در [صفحه ۲۴] آینده مایه‌ی اندوه و دشمن ایشان خواهد شد، هر آینه فرعون و (وزیرش) هامان و لشکریانش خطا کار بودند... سپس موسی را به مادرش برگردانیدیم تا چشمش روشن گردد و اندوهگین نباشد و تا اینکه بداند وعده‌ی خدا راست است و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند.» [۲۱]. آری خدا حجت خود را نگاهداری خواهد کرد و وعده‌ها و بشارت‌های خود را لباس تحقق خواهد پوشاند زیرا اراده او بر این تعلق گرفته است و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. آیا خدا موسی (ع) را که پیامبر قوم و قبیله‌ای بیش نیست حفظ خواهد کرد و امام زمان (ع) را - که دامنه و حیطة‌ی امرش تمامی اقوام و قبایل کره‌ی خاکی است - به دست معتمد و معتضد خواهد سپرد؟! آیا خداوند نجات و حیات موسی (ع) را که در میان امواج خروشان رودخانه قرار گرفته، تضمین می‌کند اما امام زمان (ع) را که در خانه و سرای پدرش، امام حسن عسکری است حفظ نخواهد نمود؟! آیا پروردگار حضرت ابراهیم (ع) را - که داستانش در قرآن آمده - در میان شعله‌های سر به فلک کشیده‌ی آتش حفظ [صفحه ۲۵] خواهد نمود، [۲۲] اما آخرین گوهر خاندان نبوت را طعمه‌ی آتش شهوت و غضب خلفای عباسی خواهد کرد؟! راستی باطل‌اندیشان و کوته‌فکران چگونه قضاوت می‌کنند؟ باری در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری امام حسن عسکری (ع) سیمای ملکوتی و درخشان فرزندش را دید، سیمای فرزندی را که سالیان دراز زندگانی خواهد کرد و تمامی وعود و بشارت‌الهیة را تحقق خواهد بخشید. بیش از سه روز از تولد حضرتش نگذشته بود که امام یازدهم وی را به اصحاب خود نموده و فرمود: «بعد از من این صاحب امر شماس و جانشین پس از من اوست، و اوست قائمی که همه در انتظار ظهور او روزگار بگذرانند و چون زمین پر از ظلم و جور شود، ظهور کند و آن را پر از عدل و داد نماید.» [۲۳]. و در همین هنگام تولد، به برخی دیگر از یارانش فرمود: «ستمکاران می‌پنداشتند که مرا خواهند کشت تا فرزندم دنیا نیاید، اما هم اکنون، توانائی خدا را چگونه یافتند؟!» [۲۴]. به میمنت و مبارکی این مولود خجسته به دستور امام [صفحه ۲۶] حسن (ع) ده هزار رطل [۲۵] نان و گوشت بین بنی‌هاشم تقسیم می‌شود. عثمان بن سعید که عهده‌دار این مهم است به بهترین وجهی دستور امام را به انجام می‌رساند. [۲۶]. امام حسن (ع) از همان ابتدا به فرمان الهی فرزند خود را از انظار اغیار پنهان می‌داشت... به این عبارت شیخ مفید که قسمتی از آن را پیش‌تر هم آوردیم دقت کنید: «امام حسن عسکری فرزند برومند خود را برای دولت حقه بجای نهاد. وی تولد فرزند خود را مخفی و امر او را مستور می‌داشت، زیرا که آن حضرت در زمان سختی واقع شده بود، خلیفه آن زمان فرزند امام حسن عسکری را شدیداً تعقیب می‌کرد و راجع به امر آن حضرت کوشش زیادی می‌نمود، زیرا عقیده‌ی شیعه امامیه درباره‌ی مهدی شیوع پیدا کرده، و معروف بود که شیعیان در انتظار آن حضرت هستند، امام حسن عسکری فرزند خود را در زمان حیات خود ظاهر نمی‌کرد و بعد از فوت آن بزرگوار هم دشمنان، حضرت مهدی را نشناختند...» [۲۷]. اگر چه امر حضرت مهدی (ع) از دشمنان و مخالفینش پنهان می‌ماند، اما شیعیان پاک‌سرشت از این واقعه‌ی مهم بزودی اطلاع می‌یابند. برخی را حضرت عسکری خود بوسیله نامه خبردار [صفحه ۲۷] می‌کنند، مثل احمد بن اسحاق که از شیعیان پاک‌باخته‌ی آن حضرت است؛ نامه‌ای که به دست وی رسیده به خط خود حضرت نوشته شده و چنین است: «فرزندی برایم زاده شد، پس خبرش از مردم پوشیده باشد که آن را فقط به خویشان نزدیک یا دوستان خاص خود اعلام خواهیم کرد.» [۲۸]. برخی دیگر از شیعیان به طور خصوصی به دیدار حضرت عسکری (ع) می‌روند و آن حضرت ایشان را به دیدار دوازدهمین امام، حضرت مهدی (ع) راهنمایی می‌کنند، همچون ابو عمرو اهوازی که خود او

می‌گوید: «امام حسن عسکری فرزندش، امام زمان را به من نشان داد و فرمود این صاحب شماس است.» [۲۹]. و برخی دیگر از شیعیان به طور دسته جمعی خدمت حضرت عسکری می‌رسیده‌اند و اگر ایمان و رازداری ایشان مورد تأیید حضرتش بود، فرزند خویش را به آنان می‌نمود. معاویه بن حکیم و محمد بن ایوب و محمد بن عثمان عمروی روایت کرده‌اند که: «چهل نفر بودیم که در خانه‌ی امام حسن اجتماع نمودیم، پس آن حضرت فرزندش را ظاهر کرده فرمود: این امام شما و جانشین من است، باید بعد از من [صفحه ۲۸] از وی اطاعت کنید و اختلاف نوزید که به هلاکت می‌رسید.» [۳۰]. به هر حال شیعیان، از تولد دوازدهمین ماه تا بنده‌ی ولایت آگاه شده و برای عرض تبریک خدمت امام یازدهم مشرف می‌شدند. حسن بن حسین علوی می‌گوید: «در شهر سامره خدمت امام حسن رسیدم و تولد یافتن فرزندش را تهنیت گفتم.» [۳۱]. عبدالله بن عباس علوی نیز چنین بازگو می‌کند: «در سامره خدمت امام حسن عسکری رسیده، تولد فرزندش را تبریک گفتم.» [۳۲]. آری بدین ترتیب بود که حضرت امام زمان (ع) تولد یافت و در پنهانی از دسترس دشمنان و اغیار دور بود و تنها، گهگاه شیعیان با فضیلت به حضورش باری یافتند تا آنکه در سال ۲۶۰ هجری امام یازدهم (ع) رحلت فرمود و امر ولایت الهی به حضرت صاحب‌الامر (ع) رسید. [صفحه ۲۹]

غیبت صغری

هنگامی که امام حسن عسکری (ع) وفات یافت نوبت امامت به آخرین گوهر تابناک خاندان پیامبر، حضرت مهدی (ع) رسید، هر چند که آن بزرگوار در میان خلق ظاهر نمی‌شدند اما افراد مورد اعتمادی مرتب خدمت ایشان رسیده و مسائل و مشکلات شیعیان را عرضه نموده و راهنمایی‌ها و فرمان‌های آن پرتو فروزنده الهی را به مردم ابلاغ می‌کردند. این اشخاص که از نظر ایمان و پرهیزکاری و اعتماد و وثوق، زبده‌ی مسلمانان آن دوره بودند، واسطه‌ی بین مردم و آن حضرت بشمار می‌رفتند و راهنمایی‌های آن حضرت را به [صفحه ۳۰] موقع به مردم می‌رساندند. مطالعه حالات و درک میزان ایمان و تقوای این افراد از طرفی عظمت وجودی ایشان را روشن می‌کند، و از طرف دیگر ما را با امام زمان (ع) بیشتر آشنا می‌سازد، زیرا در لابلای گفتار ایشان - که از معتمدترین و موثق‌ترین یاران ائمه (ع) به شمار می‌آیند - نشانه‌هایی از آن بزرگوار می‌یابیم. از میان نواب امام زمان (ع) چهار تن، مشهورتر و خاص‌تر بودند، که واسطه بین امام (ع) و عموم مردم بوده و به نواب اربعه معروفند. ما برای آنکه نسبت به جلالت و بزرگی مقام ایشان بیشتر آگاه شویم شرح مختصری از هر یک می‌نگاریم. [۳۳]. ۱ - عثمان بن سعید عمروی: این شخص جلیل‌القدر نه تنها نائب امام زمان (ع) بلکه وکیل امام حسن عسکری (ع) و نیز حضرت هادی (ع) بوده و بسیاری از امور شیعیان به توسط او سر و سامان یافته است؛ امام دهم حضرت هادی (ع) درباره وی به شیعیان خود می‌فرمود: «این ابوعمرو - عثمان بن سعید - شخصی موثق و امین است، هر چه برای شما بگوید از من می‌گوید و آنچه به شما برساند از من اداء کرده است.» [۳۴]. این نیابت تا سال ۲۵۴ که سال وفات حضرت هادی (ع) [صفحه ۳۱] است ادامه یافت؛ همچنین در احادیثی که از امام یازدهم (ع) رسیده، شخصیت وی به گونه‌ای اصیل و والا ترسیم شده است، مثلاً در سخنانی از آن حضرت که خطاب به شیعیان خود فرموده، می‌خوانیم: «این ابوعمرو موثق و امین است، مورد وثوق امام گذشته بوده و مورد وثوق من در حیات و ممات من است، آنچه برای شما گوید از من گفته و آنچه به شما ادا کند از من ادا کرده است.» [۳۵]. هم او با چنین کارنامه‌ی درخشانی، پس از رحلت امام حسن عسکری (ع) نایب امام دوازدهم می‌گردد. خود حضرت صاحب‌الزمان (ع) در سوگ وی، پسرش محمد بن عثمان را چنین تسلیت می‌دهند: «انا لله و انا الیه راجعون - تسلیم فرمان و راضی به قضای الهی هستیم، پدرت با سعادت زیست و با افتخار مرد، خدا او را رحمت کند و به اولیاء خود و سروران خود ملحق سازد، او پیوسته در آنچه او را به خدا و اولیائش نزدیک می‌نمود، تلاش و کوشش داشت، خداوند روی او را با طراوت گرداند.» [۳۶]. ۲ - ابو جعفر محمد بن عثمان: این شخص دومین نایب خاص امام زمان (ع) می‌باشد، علاوه بر آن نایب امام یازدهم [صفحه ۳۲] نیز بوده، درباره او گفته‌اند: «بزرگی شأن و علو منزلتش در نزد شیعیان، مشهورتر از آنست که محتاج

به بیان و گفتگو باشد.» [۳۷]. امام حسن عسکری (ع) درباره او و پدرش - عثمان بن سعید - به یکی از یاران خود فرموده است: «عمروی و پسرش هر دو موثقند، آنچه آن دو به تو رسانند از من رسانده‌اند و آن چه برای تو بگویند از من گفته‌اند، پس گوش به کلام آنها بده و ایشان را اطاعت نما، زیرا که هر دو موثق و امین ما هستند.» [۳۸]. خود امام زمان (ع) درباره‌ی وی فرموده است: «وی مورد وثوق من و نامه او به منزله‌ی مکتوب من است.» [۳۹]. ۳ - ابوالقاسم حسن بن روح نوبختی: ابوجعفر محمد بن عثمان، دومین نایب امام زمان (ع) درباره‌ی وی گفته است: «این حسین بن روح بن ابوبحر نوبختی جانشین من، و میان شما و حضرت صاحب‌الامر سفیر و وکیل و مورد وثوق و طرف اطمینان اوست، پس شما در امور خود به وی مراجعه نمائید و در کارهای مهم خود به او اعتماد داشته باشید، من این مأموریت [صفحه ۳۳] را داشتم و آن را ابلاغ نمودم.» [۴۰]. همچنین شیخ طوسی (علیه‌الرحمه) درباره‌ی وی فرموده است: «ابوالقاسم حسین بن روح نزد دوست و دشمن داناترین مردم بود.» [۴۱]. درستی نیابت حسین بن روح مخالفین را نیز به اعتراف آورده است، شامغانی که یکی از مدعیان دروغین نیابت بوده و حسین بن روح بنا به فرمانی از امام زمان (ع) دروغگوئی او را در در دعوی نیابت برملا کرده است، ناگزیر از اعتراف گشته و چنین می‌گوید: «میان من و خدا سزاوار نیست که جز راستگوئی از امر او - حسین بن روح - چیزی بگویم، با اینکه جنایت او نسبت به من بزرگ است، این مرد از جانب امام زمان (ع) برای کاری از کارها منصوب گشته و شیعه را نمی‌رسد که از وی روی گرداند.» [۴۲]. ۴ - ابوالحسن علی بن محمد سیمری: این شخص جلیل‌القدر آخرین نایب خاص حضرت امام زمان (ع) است، وفات او مصادف با نیمه شعبان سال ۳۲۹ هجری است. جناب حسین به روح نیز او را به عنوان نایب امام معرفی کرده است، و آخرین توقیعی که به نواب اربعه، از طرف امام زمان (ع) رسیده، خطاب به این جناب است؛ در این توقیع از فوت علی [صفحه ۳۴] بن محمد و مسدود شدن باب نیابت نیز خبر می‌دهد: «بسم الله الرحمن الرحیم - ای علی بن محمد سیمری، خداوند پاداش برادرانت را در سوگ تو بزرگ گرداند، چه که تو تا شش روز دیگر خواهی مرد، پس به کارهای خود رسیدگی کن و به هیچکس به عنوان جانشین خود وصیت منما که غیبت کامل واقع شده است، من آشکار نمی‌شوم مگر بعد از اجازه پروردگار عالم، و این بعد از گذشت زمان‌ها و قساوت دلها و پر شدن زمین از ستم خواهد بود؛ عنقریب در میان شیعیان کسانی پیدا می‌شوند که ادعا می‌کنند مرا مشاهده کرده‌اند، آگاه باش که هر کس پیش از خروج سفیانی و صحیحی آسمانی دعوی «مشاهده» کند، دروغ گو است و افترا می‌بندد و لا حول و لا قوة الا بالله العظیم» [۴۳]. چنانکه ملاحظه می‌شود سخن در زمینه مسدود شدن باب نیابت خاصه‌ای است که علی بن محمد سیمری آخرین فرد آن بود، در این توقیع هر کس که ادعای باییت و مشاهده کند یعنی بگوید که هر لحظه بخواهد می‌تواند امام (ع) را دیدار کند، دروغگو خوانده شده است، و در زمان غیبت کبری نیز، هیچ کس از باریافتگان بحضور مقدس امام زمان (ع) را [صفحه ۳۵] چنین ادعائی نبوده است. نواب اربعه با وجود آنکه در کمال اعتماد و اطمینان مردم بودند و نه در تقوا و پرهیزکاری و نه در علم و ایمان ایشان، کوچکترین تردیدی نمی‌توان روا داشت، اما تا کرامت حضرت صاحب‌الامر، که دلیل راستگوئی و صحت نیابت آنها بود از آنها آشکار نمی‌گردید، مردم گفتار آنها را می‌پذیرفتند. [۴۴]. نواب خاص مشکلات و پرسشهای دانشمندان شیعه را به امام زمان (ع) عرضه می‌داشتند و آن حضرت پاسخهای لازم را بتوسط همان نایبان بصورت توقیعی بایشان می‌رساندند. در این توقیعات، حساس‌ترین و دشوارترین مسائل و موضوعات اعتقادی شیعه روشن گردیده است. یکی از این مسائل موضوع تکلیف شیعیان در رویارویی با پدیده‌های تازه است، اینکه وظیفه مردم در دوران غیبت، آن هنگام که با مسائل نوپدید مواجه می‌شوند، چیست؟ امام زمان (ع) در توقیعی که برای یکی از برگزیدگان و بزرگان شیعه، موسوم به «اسحاق بن یعقوب» صادر می‌کنند، وظیفه و راه و روش شیعه را در دوران غیبت امام بازگو نموده‌اند «این دستورالعمل قرنهای متمادی است که اجرا می‌گردد و یکی از دلائل جامعیت و جاودانگی آئین اسلام [صفحه ۳۶] نیز می‌باشد. اسحق بن یعقوب در نامه‌ای که توسط دومین نایب خاص به امام زمان (ع) می‌رسد، از مسائل مختلفی سؤال می‌کند که یکی از آنها موضوع مورد بحث ماست؛ امام می‌فرمایند که باید در آن مسائل به

کسانی که واقعا گفتار ما را دانسته آنها را روایت می‌کنند مراجعه کرد: «اما مسئله‌ی پیشامدهایی که در آینده روی خواهد داد، پس باید که برای دانستن حکم آنها به روایان گفتار ما مراجعه کنید که ایشان حجت من بر شمایند و من نیز حجت خدا بر ایشانم.» [۴۵]

. دیگر توقیعات آن بزرگوار هم که در عصر غیبت صغری صادر گردیده هر کدام راه‌گشاینده مشکلی و آموزنده‌ی دریای معرفتی بیکران است و تمامی این توقیعات توسط نایبان حضرتش بدست خواهند گان و جویندگان می‌رسیده است. آری نواب اربعه که در کمال ایمان و اعتماد و وثوق و اطمینان بوده‌اند، سالیانی دراز واسطه‌ی فیض بین امام و مردم بودند تا آنکه در سال (۳۲۹) هجری این طومار بسته شد و بر اساس مشیت الهی، غیبت کبری امام زمان (ع) آغاز گردید، همان غیبتی که از مدتها پیش پیامبر و امامان شیعه [صفحه ۳۷] خبرش را داده‌اند و مسلمانان در آن دوره آزمایش می‌گردند، تا هنگامیکه حضرتش بفرمان پروردگار توانا ظهور کرده و لباس تحقق بر آرمان‌های الهی ببوشاند! [صفحه ۳۸]

غیبت کبری

از سال ۳۲۹ هجری که غیبت کبری آغاز می‌گردد، باب نیابت خاصه‌ی امام زمان (ع) مسدود می‌شود؛ در دوران غیبت کبری اگر کسی ادعای بایبیت و نیابت کند بنا به تصریح خود امام زمان (ع) دروغگو است. در احادی ائمه، فایده‌ی امام را در زمان غیبت به فایده‌ی خورشید آن هنگام که در پس ابرها قرار دارد تشبیه کرده‌اند، همچنانکه خورشید در پس ابر نیز سبب حیات و بقاء جانداران است، امام در حجاب غیبت نیز مایه‌ی هستی و دوام جهان آفرینش می‌باشد. [۴۶]. در زمان غیبت کبری نیز بسیار کسان به خدمت [صفحه ۳۹] حضرتش باریافته و به زیارت آن بزرگوار فائز گشته‌اند، اما هیچ یک از ایشان دعوی مشاهده و نیابت نداشته و مدعی نبوده‌اند که هم‌چون نایبان خاص، هر لحظه که می‌خواستند خدمت حضرت مشرف می‌شده‌اند. نام برخی از این نیک‌بختان و ذکر عنایاتی که از ناحیه‌ی مقدسه شامل حال ایشان گردیده در کتاب‌های معتبر آمده است. [۴۷] از جمله این افراد می‌توان دانشمند و متکلم جهان اسلام، علامه حلی و فقیه و پارسای دوران، مقدس اردبیلی و محدث پرهیزکار و باتقوا، سید بن طاووس و دانشمند والامقام و گرانقدر اسلام، سید بحرالعلوم و جمعی دیگر از مشاهیر و بزرگان مسلمین را نام برد. آری ایشان آفتاب را به چشمان خود دیده‌اند و قلب‌هایشان مالا مال از ایمان به امام عصر (ع) گشته و خواسته‌اند با بیانی مشفقانه، دیگران را از آفتاب وجود حضرتش آگاه سازند. به عنوان مثال می‌توان به قسمتی از وصیت‌نامه‌ی سید بن طاووس به پسرش که در سال ۶۵۰ هجری نوشته است دقت کرد؛ در این گفتار بدون آنکه «ادعای مشاهده» ای شده باشد به تلویح حقیقت مسأله را به فرزندش می‌فهماند: «... وای فرزندم اگر توفیق کشف حقائق و اسرار [صفحه ۴۰] شامل حال تو گردد چنان به امر حضرت مهدی آگاهت نمایم که هیچ گونه شک و شبهه‌ای برای تو باقی نمانده و از ادله‌ی عقلیه و روایات وارده بی‌نیاز گردی؛ زیرا که آن حضرت علی‌التحقیق زنده و موجود است و تا وقتی که خداوند رحیم شفیق به تدبیر امور اجازتش ندهد که کشف و اظهار امر خود معذور است و این امر اختصاص به آن حضرت ندارد بلکه در بسیاری از انبیاء و اوصیاء نیز جاری بوده است؛ پس آن را به طور یقین بدان و دین و ایمان خود قرار ده و بدان که معرفت پدر تو به آن حضرت از معرفت او به آفتاب عالمتاب برتر و روشن‌تر است.» [۴۸].

افتخار دیدار امام زمان (ع)، ویژه برخی دانشمندان والامقام شیعه نبوده، بلکه بسیاری از مردم پارسا و عامی نیز به این افتخار نائل آمده‌اند، حتی با کمال تعجب کسانی را می‌بینیم که در گناهان و اعمال ناشایست غوطه‌ور بوده‌اند اما پس از آن که واقعا پشیمان شده و توبه کرده‌اند و قلبشان مالا مال از عشق به مولی امام زمان (ع) شده است، به این شرافت کبری رستگار شده‌اند، حتی اتفاق افتاده است که از میان برادران اهل تسنن، کسانی شرفیاب حضورش گردیده‌اند. از [صفحه ۴۱] جمله این افراد، شخصی سنی مذهب، بنام «حسن عراقی» را می‌بینیم، این فرد که در جوانی به خوشگذرانی می‌پرداخته به یکباره از خواب غفلت بیدار شده و از خود می‌پرسد که آیا برای انجام همین اعمال آفریده شده‌ای؟ آنگاه از مجلس خوشگذرانی برخاسته و یکسر به مسجد می‌آید،

اتفاقا واعظ درباره حضرت مهدی (ع) صحبت می‌کند و روح پرتلاطم «عراقی» منقلب شده و آتش عشق آن حضرت در قلبش شعله‌ور می‌شود و پس از آن به دنبال هر نماز و راز و نیاز سر بر آستان پروردگار سائیده و دیدار حضرت بقیه‌الله را آرزو می‌کند، تا آنکه سرانجام دعایش مستجاب شده و هفت شبانه‌روز در خدمت آن بزرگوار عرض ارادت کرده و راه و رسم رستگاری را می‌آموزد. این شخص که بعدها، از بزرگان و پارسایان روزگار می‌گردد، مورد احترام و تکریم علمای بزرگ اسلام واقع می‌شود و دانشمند بزرگ اهل تسنن، عبدالوهاب شعرانی - ناقل اصلی این ماجرا - او را به این عنوان یاد می‌کند که «آقای بزرگوار من شیخ حسن عراقی...» [۴۹]. در دوران غیبت کبری برای افراد و بزرگانی از علمای اسلام توقیع‌هایی نیز از جانب آن حجت بر حق صادر [صفحه ۴۲] گردیده، که در آنها حل دشواری‌ها و مسائل نوپدید و راهنمایی‌های لازم آمده است. از جمله، توقیعی که در شأن عالم بزرگوار اسلام، محمد بن محمد بن نعمان - شیخ مفید - در سال ۴۱۰ هجری شرف صدور یافته است. شیخ مفید که از علم و پارسائی ویژه‌ای برخوردار بود، گوئی با دریافت این توقیع، پاداشی بر تلاش‌های پی‌گیر و خدمات ارزنده‌ی خود دریافت کرد و هم‌اکنون نیز پس از گذشت سالیانی دراز، مردم با دیده‌ی احترام و تکریم فوق‌العاده‌ای به وی می‌نگرند. فرازی از این توقیع که نشانه‌ی آگاهی امام (ع) از خطاها و اعمال ناشایست برخی از شیعیان، و در عین حال فرازی بسیار امیدوارکننده و هیجان‌آفرین است، و یکی از فوائد وجود حضرتش را نیز گوشزد می‌کند چنین است: «ما بر تمامی اخبار شما آگاهیم و هیچ یک از آنها از نظر ما پوشیده نیست؛ از لغزش‌هایی که دچارشان شده‌اید باخبریم؛ از آن هنگامی که بسیاری از شما میل پیدا کردند به کردار ناشایستی که پیشینیان صالح شما از آنها دوری می‌جستند و از آن هنگام که پیمانی را که از ایشان گرفته شده بود پشت سر انداختند؛ گویا که به آن پیمان آگاه نیستند. ما [صفحه ۴۳] از رسیدگی به شما فروگذار نمی‌کنیم و فراموشتان نمی‌نمائیم که اگر نه این بود نابسامانیها و مصیبت‌ها بر سرتان فرود می‌آمد و دشمنان، شما را درهم می‌شکستند، پس خدا را بیاد آرید و پرهیزید.» [۵۰]. دستخط‌های پرارزش و گرانقدر حضرت امام مهدی (ع) در دوران غیبت کبری، مهم‌ترین راهنما و دستورالعمل شیعیان پاکبخته‌ی آن حضرت است و این توقیع‌ها را می‌توان در کتاب‌های معتبر شیعیان یافت. [۵۱]. به هر حال شیعه هم‌اکنون در دوران غیبت کبری امام زمان (ع) به سر برده و حساس‌ترین لحظات خود را می‌گذرانند. در احادیث اسلامی، آن هنگام که از غیبت امام دوازدهم (ع) صحبت می‌شود، به شدت دشوار بودن این امتحان الهی که همان عدم حضور امام (ع) است، اشاره می‌شود. در این امتحان الهی، شیعیان خالص و باایمان از دیگران ممتاز می‌شوند و «همچون طلا- خالص می‌گردند» [۵۲]. در احادیث اسلامی چگونگی ایمان این شیعیان را، با ایمان گروندگان انگشت‌شمار نوح نبی (ع) آن هنگام که پس از امتحانات دشوار به آن حضرت مؤمن باقی ماندند [صفحه ۴۴] تشبیه فرموده‌اند؛ همان افرادی که با حضرت نوح سوار کشتی نجات یافتند. پس خوشا به حال آنان که از این امتحان الهی سرفراز بیرون آیند و به امید آنکه، ما هم از زمره‌ی ایشان باشیم. [صفحه ۴۵]

مهدی نماها

از جمله مسائلی که شیعه در زمان غیبت دوازدهمین امام، با آن روبرو بوده، وجود مدعیان دروغین امامت و جانشینی امام حسن عسکری (ع) می‌باشد. این مدعیان دروغگو از یک اعتقاد پاک و ریشه‌دار شیعه - که همان اعتقاد به مهدی (ع) است - سوءاستفاده کرده، و با بهره‌جستن از زمینه‌های مساعد اجتماعی، دعوی خویش را آشکار نموده و کم و بیش پیروانی هم به دست آورده‌اند؛ اما بدلیل آنکه از حقیقتی برخوردار نبوده‌اند، به تدریج نابود شده و هم‌اکنون نیز جز نام و نشان مختصری از ایشان در صحنه تاریخ نیست. این مدعیان که گاهی از مصر و سودان و گاهی از ایران [صفحه ۴۶] و هندوستان برخاسته‌اند، آثار رسوائی و دروغگوئی در گفتار و کردارشان نمایان است. و ما برای آنکه شاهی ارائه داده باشیم به تفصیل بیشتری داستان یکی از ایشان را خواهیم نگاشت. در اوائل قرن سیزدهم، شخصی در شیراز مدعی مقاماتی شد و کسانی را به دور خویش گردآورد، وی در سال‌های اول ماجرای

خویش، ادعا می‌کرد که نایب امام دوازدهم شیعیان است و بهمین جهت وی را «باب» می‌گفتند. مراد از باب، واسطه بین امام و مردم بود. این شخص که همان میرزا علی محمد شیرازی است، تا مدت‌ها جز اظهار بندگی و کوچکی به آستان مقدس امام زمان (ع) ادعای دیگری نداشت. در ابتدای کتاب‌هایی که می‌نوشت آنها را به آن بزرگوار نسبت می‌داد و خود را فقط واسطه فیض می‌شمرد، نمونه‌ای از این دعاوی را می‌توان در کتاب‌هایی که خود به رشته تحریر در آورده است دید. بهائیان که پی‌ریزی مسلکشان بر اساس حقانیت باب نهاده شده و هم‌اکنون نیز از مدافعان سرسخت او به حساب می‌آیند و باب را همان قائم اسلام و امام دوازدهم شیعه [صفحه ۴۷] می‌دانند، پذیرفته‌اند که او در سال‌های اولیه‌ی ماجرای خویش مقام «باییت» امام دوازدهم را برای خود قائل بوده است. اکنون عباراتی از نوشته‌های باب را که بهائیان در کتابهای خود آورده‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهیم. چیزی که در این نوشته‌ها به چشم می‌خورد، مقام ادعائی باییت است که باب، خود را دارنده آن می‌داند. عبدالحمید اشراق خاوری مبلغ بزرگ بهائیان در کتاب «رحیق مختم» خود قسمتی از اولین کتاب باب را که موسوم به تفسیر سوره‌ی یوسف است آورده، در این فراز از تفسیر سوره یوسف چنین می‌خوانیم: «خداوند چنین مقدر کرده است که این کتاب تفسیر سوره یوسف، از نزد حضرت محمد بن الحسن (ع)... به دست بنده و باب او برسد تا حجت و برهان پروردگار بر جهانیان باشد.» [۵۳]. این عبارت باب که سبب ایمان آوردن شخصی بنام «ملاحسین بشروئی» می‌گردد و اولین پیرو و طرفدار را برای وی می‌سازد، نشانه‌ی آن است که وی خود را باب امام دوازدهم، یعنی باب حضرت محمد بن الحسن العسکری (ع) می‌دانسته است. [۵۴]. عبارات دیگری نیز که در کتاب‌های دیگر میرزا [صفحه ۴۸] علی محمد شیرازی آمده، باز گوکننده مقام باییت اوست. فاضل مازندرانی که او نیز از بزرگ مبلغان جامعه‌ی بهائی است، در کتابش که «اسرارالاثار خصوصی» نامیده می‌شود، این عبارت را از کتاب «صحیفه‌ی مخزونه» باب آورده، در اینجا هم، باب ادعا می‌کند که کتاب را از نزد حضرت بقیه‌الله، حضرت محمد بن الحسن (ع) آورده است. وی می‌گوید: «این صحیفه مخزونه را خداوند متعال بر حجت خود، حضرت محمد بن الحسن (ع) فرو فرستاد و حضرت بقیه‌الله صاحب‌الزمان (ع) نیز آن را به باب خودش «ذکر» [۵۵] داده است تا اینکه حجت خدا بر بندگانش باشد.» [۵۶]. هم‌چنین فاضل مازندرانی در جای دیگری از کتابش می‌گوید که باب خود را از بندگان حضرت مهدی (ع) می‌شمرد است. «لذا بقیه‌الله از القاب امام دوازدهم اثنی عشریه قرار گرفت و در آثار اولیه‌ی نقطه‌اللیان - باب - آمده تکرار ذکر یافت. قوله: اننی انا عبد من [صفحه ۴۹] بقیه‌الله» [۵۷]. تنها مبلغان بهائی نیستند که با نقل جملاتی از باب اعلام خاکساری او را به پیشگاه امام زمان (ع) بر ملا می‌کنند، بلکه رهبران بهائی نیز به این مهم پرداخته‌اند. عباس افندی - امام اول بهائیان - جملاتی از تفسیر سوره یوسف را که ما نیز پیش‌تر فراز دیگری از آن را آوردیم، از قول باب چنین نقل می‌کند: «ای بقیه‌الله سراپا فدای تو گردم و خشنودم که در راه تو دشنام بشنوم و هیچ آرزویی جز کشته شدن در راه دوستی تو ندارم.» [۵۸]. و در مدارک پیشین نیز دیدیم که مقصود باب از بقیه‌الله در تمامی آثارش، هیچ کس جز حضرت محمد بن الحسن امام زمان (ع) نبوده است. اینها نمونه‌هایی از موارد متعدد اعتراف باب، به وجود مسعود دوازدهمین امام شیعه است. همانطوری که ملاحظه می‌شود در این عبارات تنها ادعای «باییت» میرزا علی محمد شیرازی را می‌بینیم. اما آیا واقعا باب در مورد ادعایش فرد راستگو و صادقی بوده است؟ آیا باب به راستی مقام سفارت و نیابت امام دوازدهم را داشته است؟ [صفحه ۵۰] حقیقت آن است که شیعیان آگاه هیچگاه باب را به عنوان سفیر و نایب امام نپذیرفتند. آخر چگونه ممکن است توفیقی که به چهارمین نایب خاص امام زمان (ع) رسیده به طور صریح و روشن خبر از مسدود شدن باب نیابت دهد و در عین حال میرزا علی محمد شیرازی، باب و نایب راستگوی امام (ع) باشد؟ تمام کسانی که در زمان غیبت کبری ادعای نیابت کرده‌اند بنا به فرمایش خود امام زمان (ع) دروغ‌گویانی بیش نیستند، پس چگونه می‌توانیم باب را نایب راستین همان امام بدانیم؟ آیا در طول تاریخ غیبت کبری مدعیان دروغین دیگری نبوده‌اند که به طمع مال و جاه و مقام ادعای رابطه و تماس با آن حجت خدا را کرده باشند؟ و آیا رفتار اینان قابل توجیه و تبیین نیست؟ اتفاقا اعمال و رفتار باب پس از این دوران به گونه‌ای است که نه تنها شیعیان را در نپذیرفتن

داعیه‌ی وی استوارتر می‌سازد بلکه باب؛ قسمتی از پیروان و مریدان خویش را نیز از دست می‌دهد، زیرا پس از چهار سال که از آغاز ادعای بابتش می‌گذرد، گرویدن جمعی ساده‌لوح او را فریفته کرده و انگیزه می‌شود تا اندیشه‌ی دیگری در ذهنش خلجان [صفحه ۵۱] نماید، اندیشه‌ای که او را وادار می‌کند ادعای قائمیت کند و بگوید که من همان امام دوازدهم شیعیانم! این ادعای جدید همچون زنگ بیدارباش، برخی از مریدان باب را از خواب غفلت بیدار می‌کند، مریدانی که از خود می‌پرسیدند «چگونه ممکن است شخصی در یک زمان نایب امام زمان باشد و همان شخص در زمان دیگر، خود آن امام؟!» [۵۹]. برخی دیگر از مریدان اساساً از ادعای اخیر باب آگاه نمی‌شوند؛ به گمان ایشان باب همان ادعای بابت امام زمان (ع) را داشته و ادعای دیگری نکرده است. به هر حال ادعای اصلی میرزا علی محمد باب چندان روشن نبود و مردم به طور دقیق نمی‌دانستند که او چه می‌گوید بویژه که دسترسی به وی نیز مشکل بود و شایعات گوناگونی درباره‌ی وی انتشار داشت. این‌ها باعث شد که مجلسی با حضور جمعی از علمای دربار قاجار و ولیعهد محمدشاه در تبریز تشکیل شود تا حقیقت مسأله را از وی پرسند اولین جملاتی که از وی در این مجلس پرسیده می‌شود چنین است: «مسموع می‌شود که تو می‌گویی من نایب امام هستم و بام و بعضی کلمات گفته‌ای که دلیل بر امام بودن بلکه پیغمبری توست؟» [صفحه ۵۲] سید باب ابتدا می‌کوشد تا سخنانی که درباره‌ی وی گفته می‌شود، تأیید کند اما آن هنگام که مسائل و موضوعاتی ابتدائی و پیش‌پا افتاده از وی می‌پرسند و او از جواب گفتن عاجز می‌ماند، به ناچار به اقرار آمده و به دروغ‌گوئی‌ها و عوام‌فریبی‌هایی که کرده اعتراف می‌کند. در همین مجلس قلم بر کاغذ نهاده و توبه‌نامه‌ای بلندبالا می‌نویسد و از تمامی ادعاهائی که کرده اظهار ندامت و پشیمانی نموده و از درگاه پروردگار غفران و بخشش مسئلت می‌نماید. «... اگر کلماتی که خلاف رضای او بوده از قلم جاری شده غرضم عصیان نبوده و در هر حال مستغفر و تائبم حضرت او را، و این بنده را مطلق علمی نیست که منوط به ادعائی باشد استغفر الله ربی و اتوب الیه من ان ینسب الی امر و بعضی مناجات و کلمات که از لسان جاری شده دلیل بر هیچ امری نیست و مدعی نیابت خاصه حضرت حجه‌الله (ع) را محض ادعا مبطل است و این بنده را چنین ادعائی نبوده و نه ادعای دیگر...» این توبه‌نامه که بخط خود میرزا علی محمد باب [صفحه ۵۳] نوشته شده، اساس آئین باب را متزلزل ساخته، و مقدمات نابودی آن را فراهم کرد. پیروان ناآگاه باب پس از آنکه از ماجرای این مجلس و توبه‌ی وی اطلاع یافتند کم‌کم از گرد باب پراکنده شدند و بر همگان روشن گردید که باب شخص هوسران و بلندپروازی بوده که مردم را می‌فریفته است. آری کسی که ادعا می‌کرد، امام زمان است و بر اساس بشارت‌های آسمانی بر سراسر زمین، در کمال اقتدار و توانائی، فرمانروائی خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود، اکنون به عجز و لایبه افتاده و از تمام دعاوی و گفتارهای تبرئتی و جسته و باز می‌گردد. هم‌اکنون بهائیان چه می‌گویند؟ آیا باز هم می‌توانند از باب طرفداری کنند؟ آیا هنوز هم می‌توانند او را مدعی راستین بشمار آورند؟ بهائیان می‌کوشند که با اثبات حقایق باب جایگاهی برای خویش بازکنند، زیرا رهبر اصلی آنها - میرزا حسینعلی نوری ملقب به بهاء‌الله - سالهای چندی از مریدان باب بوده و مقام خود را متکی به بشارت باب نموده و مهمترین کتاب وی - ایقان - در اثبات امر باب نگاشته شده است؛ بر این اساس وقتی خود را با توبه‌نامه‌ی باب روبرو می‌بینند، [صفحه ۵۴] می‌کوشند تا اصالت آن را انکار کرده و آنرا جعلی و غیرواقعی جلوه دهند؛ غافل از آنکه اسناد و مدارک قطعی تاریخی و حتی خود کتابهای رهبران و بزرگان بهائی، نشان‌دهنده صحت و اعتبار و درستی توبه‌نامه است. ادوارد برون محقق و مستشرق معروف انگلیسی که تحقیقات وسیع و دامنه‌داری در موضوع بابیه نموده و کتابهای چندی در این باره تألیف کرده و حتی می‌توان او را از مروجین و مدافعین بابیه به حساب آورد با وجود این، در فصل چهارم کتاب خویش که تحت عنوان «موضوعاتی درباره مذهب بابی» منتشر شده، اعتراف می‌کند که باب توبه کرده و بتفصیل مدارک و اسناد این جریان را نقل می‌کند. گراور توبه‌نامه و دستخط باب مقابل صفحه ۳۵۶ کتاب مزبور آمده است. [۶۰]. بهائیان می‌خواهند کتابهائی که متن توبه‌نامه باب را نقل کرده‌اند بی‌اعتبار جلوه داده و نویسندگان آنها را مسلمان متعصب و غیرواقعی نگار جلوه دهند؛ اما آیا ادوارد برون هم چنین بوده و حقیقت‌نگاری را مراعات نکرده

است؟! پژوهندگان خود قضاوت خواهند کرد. از نکات بسیار عجیب و حیرت‌انگیز آنست که بهائیان [صفحه ۵۵] تا حدود نیم قرن پیش منکر اصالت و صحت و درستی توبه‌نامه نبوده‌اند و آنرا در کتابهای خویش نقل می‌کرده‌اند، نمی‌دانیم چرا هم‌اکنون، تواریخ قدیمی و حقایق کوبنده‌ی این مرام و مسلک را عوض کرده و می‌کوشند واقعیات مسلم تاریخی را بپوشانند، آیا این خود دلیل روشنی بر بطلان بهائیت نیست؟! در حدود شصت سال پیش بدستور عباس افندی کتابی بنام «کشف‌الغطاء» نوشته می‌شود. این کتاب توسط بزرگ‌ترین و معروفترین مبلغ بهائی که «میرزا ابوالفضل گلپایگانی» نام دارد، نوشته شده است، در این کتاب بدون آنکه پرده‌پوشی کرده و حقیقتی را کتمان کند، داستان مجلس ولیعهد محمدشاه و متن توبه‌نامه باب را به تفصیل نقل می‌کند؛ شایسته است بهائینی که شک و تردیدی نسبت به این ماجرا دارند، به صفحات ۲۰۱ تا ۲۰۵ این کتاب مراجعه کنند تا حقیقت مسئله بر ایشان روشن گردد، اما بدان جهت که بهائیان بعدها به جمع‌آوری و نابودی این کتاب همت گماردند و هم‌اکنون نسخه‌های اندک آن را بدست خواستاران نمی‌دهند، دو صفحه‌ای از آن را که متن توبه‌نامه مزبور را آورده است عیناً گراور می‌کنیم: [صفحه ۵۶] شیخ‌الاسلام را احضار کرده باب را چون مضبوط زده تنبیه معقول نمود و توبه و بازگشت و از غلطهای خود انابه و استغفار کرد و التزام پا به مهر سپرده که دیگر این غلطها نکند و الان محبوس و مقید است منتظر حکم اعلیحضرت اقدس همایون شهریارى روح‌العالمین فداه است امر امر همایونی است. انتهی چون در این عریضه انابه و استغفار کردن باب و التزام پا به مهر سپردن آن حضرت مذکور است مناسب چنان به نظر می‌آید که صورت همان دست خط مبارک را نیز محض تکمیل فائده در این مقام مندرج سازیم و موازنه‌ی آن را با الواحی که از قلم جمال قدم در سجن اعظم بجهت ملوک و سلاطین عالم نازل گردیده به دقت نظر اولی البصائر واگذاریم. صورت دستخط حضرت نقطه‌ی اولی به ناصرالدین شاه در اوقات ولیعهدی او در تبریز که بر علما جوابی نوشته‌اند فداک روحی الحمد لله کما هو اهله و مستحقه که ظهورات فضل و رحمت خود را در هر حال بر کافه‌ی عباد خود شامل گردانیده فحمدا له ثم حمدا که مثل آن حضرت را ینبوع رأفت و رحمت خود فرموده که به ظهور عطوفتش عفو از بندگان و ستر بر مجرمان و ترجم بداعیان فرموده اشهد الله و من عنده که این بنده‌ی ضعیف را قصدی نیست که خلاف رضای خداوند عالم و اهل ولایت او باشد اگر چه بنفسه وجودم ذنب صرفست ولی چون قلبم موفق به توحید خداوند جل ذکره و به نبوت رسول او و ولایت اهل ولایت اوست و لسانم مقر بر کل ما نزل من عند الله است امید [صفحه ۵۷] رحمت او را دارم و مطلقاً خلاف رضای حق را نخواستم و اگر کلماتی که خلاف رضای او بوده از قلم جاری شده غرضم عصیان نبوه و در هر حال مستغفر و تائبم حضرت او را و این بنده را مطلق علمی نیست که منوط به ادعائی باشد استغفر الله ربی و اتوب الیه من ان ینسب الی امر و بعضی مناجات و کلمات که از لسان جاری شده دلیل بر هیچ امری نیست و مدعی نیابت خاصه حضرت حجه‌الله علیه‌السلام را محض ادعای مبطل است و این بنده را چنین ادعای نبوده و نه ادعای دیگر مستدعی از الطاف حضرت شاهنشاهی و آن حضرت چنان است که این دعاگو را به الطاف و عنایت سلطانی و رأفت و رحمت خود سرافراز فرمایند والسلام [۶۱]. صورت جوابی که مجتهدین تبریز در صدر ورقه نوشته‌اند سید علی محمد شیرازی شما در بزم همایون و محفل میمون در حضور نواب اشرف والا ولیعهد دولت بیزوال ایده الله و سده و نصره و حضور جمعی از علماء اعلام اقرار بمطالب چندی کردی که هر یک جداگانه باعث ارتداد شما است و موجب قتل توبه‌ی مرتد فطری مقبول نیست و چیزی که موجب تأخیر قتل شما شده است شبهه‌ی خبط دماغ است که اگر آن شبهه رفع بشود بلا تأمل احکام مرتد فطری به شما جاری می‌شود. حرره خادم الشریعه المطهره محل مهر میرزا علی اصغر شیخ‌الاسلام محل مهر میرزا ابوالقاسم پسر شیخ‌الاسلام ۵۰ در همین صفحه سطر (۱۳) تفصیل خواب مهدی قلی میرزاست [صفحه ۵۸] راستی برای آنکه بهائیان بپذیرند باب توبه کرده است چگونه بایستی استدلال کرد؟ آیا نقل ده‌ها مجلد از تواریخ مسلمین کفایت نمی‌کند؟ اگر مسلمین در تواریخشان غرض ورزی کرده‌اند آیا نظر یک نفر محقق و مستشرق غیرمسلمان که حتی تمایلاتی هم به بابیه داشته، روشنگر صحت و درستی توبه‌نامه نیست؟! مهمتر از همه آنکه اعتراف بزرگترین مبلغ بهائی در کتابی که مورد تصدیق امامشان هم

قرار گرفته [۶۲]. کافی نیست تا بهائیان بپذیرند که براستی باب توبه کرده است؟ راستی بهائیان دیگر به انتظار چه نشسته‌اند؟ این همه آیات باهرات و این همه معجزات و بینات کافی نیست؟! آیا ایشان محتاج دلایل دیگری در اثبات امر باب هستند؟! آری از کسانی که ادعای مهدویت کرده‌اند یکی هم میرزا علی محمد شیرازی بود که داستانش را بدینگونه آوردیم، اما این واقعیت مسلم را فراموش نکنیم که باب رسواترین و ناکام‌ترین کسی است که در شمار مهدی‌نماها مورد بررسی قرار می‌گیرد. [صفحه ۵۹]

شیعه در غیبت امام

و اکنون وظیفه‌ی شیعه چیست؟ و چه مسئولیتهائی بر دوش ماست؟ آیا براستی ما را از پیروان واقعی حضرتش خواهند شمرد؟ آن زمان که زندگی شیعیان پاکبخته‌ی امامان پیش از دوازدهمین امام را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در فداکاریها و از جان گذشتگیهای بی‌دریغ ایشان نظر می‌کنیم، به یکباره از خواب غفلت بیدار شده و متوجه سستی‌ها و تقصیرهای خود خواهیم شد. آیا سلمان فارسی و ابوذر غفاری و عمار یاسر و مالک [صفحه ۶۰] اشتر از شیعیان امام زمانشان حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) بوده‌اند و ما نیز از شیعیان امام زمانمان می‌باشیم؟ آیا «میثم تمار» که حتی بر فراز چوبه دار نیز از ذکر فضائل امیر مؤمنان علی (ع) فروگذار نمی‌کند، از شیعیان آن حضرت است و ما نیز که با امام زمانمان در نهایت بیگانگی بسر می‌بریم، از شیعیان آن بزرگواریم؟ آیا شهدای کربلا که عاشقانه در راه دفاع از امام زمانشان، حسین (ع) کوشیده و همگی شربت شهادت نوشیدند از شیعیان آن حضرتند، و ما هم که از بذل مال و جان و امکاناتمان در راه امام زمانمان دریغ نمی‌ورزیم، از شیعیان آن حضرتیم؟ آیا شخصی چون هشام بن حکم که با مباحثات و مناظرات فوق‌العاده ارزنده‌ی خود، مخالفین امر امامت را منکوب و رسوا می‌نماید، بگونه‌ای که از جانب امام صادق علیه‌السلام به عنوان «یاور امام» یاد می‌شود، یک شیعه است، و ما نیز در اولین گام وظایفمان که شناسائی امام زمانمان است، سستی می‌کنیم، از شیعیانیم؟ آنچنانکه در نویدهای قرآن و گفتار پیامبر اکرم و ائمه اطهار (ع) می‌خوانیم، امام زمان مسئولیت ویژه‌ای دارد که سایر امامان چنان وظایفی نداشته‌اند؛ [صفحه ۶۱] امام زمان حکومت واحد جهانی تشکیل خواهد داد، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، ذخائر و گنج‌های زمین را آشکار خواهد ساخت، زمین را عمران و آبادان کرده و آگاهی و شعور مردم را تکامل خواهد بخشید؛ [۶۳]. بنابراین آیا وظایف شیعیان حضرتش نیز حساستر نخواهد بود؟ آیا شیعه نباید بکوشد، تا هر آنگاه که به فرمان الهی، امام زمانش ظهور کرد لیاقت و شایستگی آن را داشته باشد که از یاوران خاص حضرتش بشمار آید؟ پس بینیم وظایف ما چیست و چگونه باید رفتار کنیم؟ بی‌گمان اولین وظیفه‌ی ما آشنائی با خود آن حضرت است، اینکه آن بزرگوار را بشناسیم و با حضرتش مأنوس باشیم. شناسائی امام زمان (ع) بقدری پراهمیت و حساس است که در حدیثی از پیامبر خدا چنین می‌خوانیم: «هر کس از دنیا رود، در حالیکه نسبت به امام زمانش عرفان نداشته باشد، همچون کسی است که در دوران جاهلیت مرده باشد.» [۶۴]. مردن در دوران جاهلیت یعنی از اسلام و ایمان بی‌بهره بودن، و پیدا است آنکس که امام زمانش را نشناخته باشد، در زمره‌ی بی‌ایمانان معرفی شده است. [صفحه ۶۲] در حدیث دیگر از امام محمد باقر همین مضمون چنین آمده است: «آنانکه بدون داشتن امام، دنیا را وداع کنند، چون مردم زمان جاهلیت در گذشته‌اند و مردم اگر امام خویش را نشناخته باشند، معذور نخواهند بود.» [۶۵]. بنابراین باید در راه شناسائی آن حضرت بکوشیم تا از اسلام و ایمانمان بهره‌ای جسته باشیم و از جمله‌ی رستگاران و بایمانان بشمار آئیم. وظیفه‌ی دیگر شیعیان در زمان غیبت کبری، که ائمه بدانها اشاره فرموده‌اند مسئله «انتظار فرج» است، شناختن امام زمان (ع) اولین گام رستگاری و در «انتظار» دولت حقه‌ی آن حضرت بودن مرحله‌ی دوم این راه می‌باشد. «منتظر» کسی است که خود را برای ظهور امام (ع) آماده کند، ویژگیها و صفات یاوران امام مهدی (ع) را دارا باشد و از بذل جان و مال خود در راه او دریغ نرزد؛ و بدین جهت است که حضرت صادق (ع) می‌فرمود: «آن کس که منتظر امر ماست، چون کسی است که در راه خدا در خون خود غوطه‌ور باشد» [۶۶]. آری کسی که منتظر واقعی امام عصر (ع)

است، همچون [صفحه ۶۳] شهید را خدا معرفی شده است. در حدیث دیگری از همان حضرت، آنگاه که عده‌ای از شیعیانسان بسخن او گوش فراداده‌اند، در شأن منتظران حقیقی امام زمان (ع) می‌فرمایند: «کسانی که در انتظار دولت قائم درگذرند چون آنانند که در خدمت قائم باشند». آنگاه پس از درنگ مختصری فرمودند: «بلکه چون آنانند که در رکاب مهدی شمشیر زده باشند» و سپس بدنبال تأملی دیگر: «به خدا سوگند اینان چون آن کسانی که در خدمت پیامبر به شهادت رسیده باشند». [۶۷]. آیا ما را از منتظران حضرتش خواهند شمرد؟ آیا لااقل به همانگونه‌ای که برای عزیزان سفر رفته‌ی خود انتظار می‌کشیم منتظر امر آن «ولی خدا» هستیم؟ در حدیثی دیگر از امام صادق (ع) در شأن یاوران حضرت حجت (ع) چنین می‌خوانیم: «هر که شور یآوری قائم را دارد، باید انتظار کشد؛ و در حالت انتظار، پرهیزکارانه عمل کند و رفتار [صفحه ۶۴] نیکو و شایسته پیش گیرد؛ این چنین کسی اگر هم مرگ را در آغوش کشد و قائم، پس از مرگش قیام نماید، پاداشی همچون یاران و یاوران حضرت خواهد داشت، پس «بکوشید». و «منتظر باشید». و - این کوشش و انتظار - گوارایتان باد، ای گروه آمرزیده». [۶۸]. آری، منتظری که کردار شایسته و نیکویش ترک نشود و صمیمانه بکوشد، در چنان جایگاه ارزنده‌ای ستوده شده است و اینگونه مشمول لطف و عنایت پروردگار قرار خواهد گرفت. پس از خدا بخواهیم تا از منتظران امام زمان (ع) باشیم، اعمال و رفتارمان نیز نشان‌دهنده‌ی درستی ادعایمان باشد، ابتدا خود در مسیر شناسائی حضرتش گام برداریم و سپس دیگران را نیز دلالت کنیم، منکران و مخالفین حضرتش را بجای خود نشانده و ارشاد و راهنمایی کنیم، ویژگیهای یاوران حضرت مهدی (ع) را دارا باشیم و هر لحظه منتظر باشیم تا حضرتش ظهور کرده، آنگاه جان بی‌ارزش خود را با فدا کردن در قدومش ارزشمند و گرانقدر [صفحه ۶۵] نمایم. شیعه در زمان غیبت امام باید که پیوسته شور آن حضرت را در سر داشته باشد، قلبش مالا مال از عشق او باشد و سینه‌اش لبریز از محبت به او. اندیشه‌اش جانفشانی در رکاب او باشد و آرزویش دیدار او. دعایش صلوات بر آن حضرت باشد و مسئلتش گشایش فرج او. وجودش یکپارچه سوز و گداز باشد و هستی‌اش، شعله‌ای زبانه کشیده از عشق او. اشک تلخ از دیدگان هر لحظه می‌ریزد مرا از دل خونین هزاران ناله برخیزد مرا از غم هجران و شوق وصلت ای آرام جان گریه‌ها و خنده‌ها با هم درآمیزد مرا تا تو دوری از من ای صبح امید و آرزو خواب هم از چشم‌های خسته بگریزد مرا سرخ‌رو گر دیدی‌ام از بی‌غمی‌هایم میدان همچو لاله، خون دل بر روی می‌ریزد مرا [صفحه ۶۶] من حدیث عشق تو گویم به هر کوی و گذر گرچه دشمن زین سبب بردار آویزد مرا مرگ روزی می‌رسد ای مهربانم از خدا دارم امید آنکه با مهرت برانگیزد مرا یاد باد آن تیره‌شبهائی که بهر دیدنت شعله‌های انتظار آتش بجان می‌زد مرا کی شود آن صبح روشن بردم زین تیره‌شب تا ز دل، بار گران رنج برخیزد مرا می‌رسد پروردگارا روزگاری تا که دوست از شراب وصل خود در کام جان ریزد مرا

پاورقی

- [۱] آیه ۱۲۸ سوره اعراف ۷: «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین».
- [۲] آیه ۱۷ سوره حدید ۵۷: «اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها» در تفسیر این آیه امام باقر (ع) می‌فرمایند: «یحیی الارض بالعدل بعد موتها بالجور» کتاب کافی.
- [۳] آیه ۵۵ سوره نور ۲۴: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمكن لهم دینهم - الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنًا یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا».
- [۴] آیه ۸ سوره صف ۶۱: «یریدون لیطفئوا نور الله بافواهم والله متم نوره و لو کره الکافرون».
- [۵] آیه ۵۹ سوره نساء ۴: «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» آیا قرآن دستور به اطاعت از غیر معصوم می‌دهد؟.
- [۶] منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی، فصل دوم باب اول: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث

فيه رجلا من امتي و من اهل بيتي يوايط اسمه اسمي يملأ الارض قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما».

[۷] همان مدرک فصل اول باب چهارم: «الائمة من بعدی اثنی عشر اولهم انت يا علی و آخرهم القائم الذی یفتح الله عز و جل علی یدیه مشارق الارض و مغاربها».

[۸] همان مدرک فصل دوم باب دهم: «اما علمتم انه ما منا الا و یقع فی عنقه بیعة لطاغیة زمانه الا القائم الذی یصلی روح الله (ع) خلفه فان الله عز و جل یخفی ولادته و یغیب شخصه لئلا یكون فی عنقه بیعة اذا خرج ذلك التاسع من ولد اخي الحسين ابن سيدة الاماء یطیل الله عمره فی غیبه ثم یظهر بقدرته فی صورة شاب دون اربعین سنه و ذلك لیعلم ان الله علی کل شیئی قدير».

[۹] همان مدرک فصل دوم باب ۲۱: «الامام من بعدی موسی و الخلف المنتظر محمد بن الحسن بن علی ابن محمد بن علی بن موسی».

[۱۰] امالی، شیخ صدوق، ص ۴۸۹ مترجم: «لکل اناس دولة یرقبونها و دولتنا فی آخر الدهر یظهر».

[۱۱] اثبات الهداة شیخ حر عاملی جلد ۶ صفحه ۴۱۷: «انا القائم بالحق و لکن القائم الذی یطهر الارض من اعداء الله و یملاها عدلا كما ملئت جورا هو الخامس من ولدی له غیبة یتطول امدها خوفا علی نفسه یرتد فیها اقوام و یثبت فیها آخرون... طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبلنا فی غیبة قائمنا الثابتین علی موالاتنا و البراء من اعدائنا اولئک منا و نحن منهم قد رضوا بنا ائمة و رضينا بهم شیعة فطوبی لهم، هم والله معنا فی درجتنا یوم القيمة».

[۱۲] همان مدرک صفحه ۴۲۷: «کانی بکم و قد اختلفتم بعدی بالخلف اما ان المقر بالائمة بعد رسول الله (ص) المنکر لولدی کمن اقر بنوہ جمیع انبیاء الله و رسله و انکر نبوہ رسول الله (ص) و المنکر لرسول الله کمن انکر جمیع النبیاء الله لان طاعة آخرنا کطاعة اولنا و المنکر لاخرنا کالمنکر لاولنا اما ان لولدی غیبة یرتاب فیها الناس الا من عصمه الله».

[۱۳] گزیده‌ای از این احادیث، در کتاب ارزشمند منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام تألیف لطف الله صافی گلپایگانی گردآوری شده است.

[۱۴] فهرست مختصری از این کتاب‌ها را می‌توان در مقدمه کتاب نجم ثاقب تألیف حاج میرزا حسین طبرسی مشاهده کرد.

[۱۵] رجوع کنید به کتاب «مقاتل الطالبین» تألیف ابوالفرج اصفهانی» که فهرستی از فرزندان شهید علی بن ابیطالب (ع) را تا سال تدوین کتاب - ۳۱۳ هجری - ارائه داده است.

[۱۶] اثبات الوصیة ابوالحسن علی مسعودی صفحه ۴۳۵ مترجم.

[۱۷] کافی محمد بن یعقوب کلینی، کتاب الحججه باب مولد ابی محمد الحسن بن علی علیهما السلام.

[۱۸] کمال‌الدین شیخ صدوق جلد اول صفحه ۱۰۱ مترجم.

[۱۹] ارشاد شیخ مفید باب «وفات ابی محمد الحسن بن علی (ع)».

[۲۰] غیبت، شیخ طوسی، صفحه ۱۶۰ و همچنین «شواهد النبوه» تألیف عبدالرحمن جامی حنفی.

[۲۱] قرآن مجید سوره قصص ۲۸ آیات ۷ تا ۱۳: «و اوحینا الی ام موسی ان ارضعه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم و لا تخافی و لا تحزنی انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین فالتقطه آل فرعون لیكون لهم عدوا و حزنا ان فرعون و هامان و جنودهما کانوا خاطئین... فرددناه الی امه کی تفر عینها و لا تحزن و لتعلم ان وعد الله حق و لکن اکثرهم لا یعلمون».

[۲۲] قرآن مجید سوره انبیاء ۲۱ آیه ۷۰ «قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم».

[۲۳] ینابیع الموده خواجه کلان سلیمان قندوزی حنفی صفحه ۴۶۰ «ولد لابی محمد الحسن مولود فسماه محمدا فعرضه علی اصحابه یوم الثالث و قال: هذا امامکم من بعدی و خلیفتی علیکم و هو القائم الذی تمتد الیه الاعناق بالانتظار فاذا امتلات الارض جورا و ظلما خرج فیملأها قسطا و عدلا».

- [۲۴] سید بن طاووس از امام حسن عسکری (ع) چنین نقل می‌کند «زعمت الظلمة انهم یقتلوننی لیقطعوا هذا النسل کیف راؤا قدرة القادر».
- [۲۵] رطل: واحد وزن و برابر با ده سیر.
- [۲۶] کمال‌الدین شیخ صدوق جلد دوم صفحه ۱۰۴ مترجم.
- [۲۷] ارشاد شیخ مفید، باب وفات ابی محمد الحسن بن علی علیه‌السلام.
- [۲۸] کمال‌الدین شیخ صدوق جلد دوم صفحه ۱۰۴ مترجم.
- [۲۹] ارشاد شیخ مفید باب من رأى الامام الثانى عشر: «ارانيه ابو محمد عليه‌السلام و قال هذا صاحبكم».
- [۳۰] کمال‌الدین شیخ صدوق جلد دوم صفحه ۱۰۹ مترجم.
- [۳۱] اثبات الهداء شیخ حر عاملی جلد ۶ صفحه ۴۳۳.
- [۳۲] همان مدرک جلد ۷ صفحه ۲۰.
- [۳۳] نام و نشان بقیه‌ی نایبان امام زمان (ع) در کتابهای رجال و از جمله تنقیح المقال ممقانی جلد اول صفحه ۲۰۰ آمده است.
- [۳۴] غیبت، شیخ الطائفة ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، صفحه ۲۱۵: «هذا ابو عمرو الثقة الامین» ما قاله لكم فعنی یقوله و ما اذاه الیکم فعنی یؤدیه».
- [۳۵] همان مدرک، صفحه ۲۱۵: «هذا ابو عمرو الثقة الامین ثقة الماضی و تقتی فی المحیا و الممات فما قاله لكم فعنی یقوله و ما اذی الیکم فعنی یؤدیه».
- [۳۶] تاریخ الغیبة الصغری، محمد الصدر، صفحه ۴۰۱ «انا لله و انا الیه راجعون، تسلیمنا لامر و رضاء بقضائه عاش ابوک سعیدا و مات حمیدا، فرحمه الله و الحقه باولیائه و موالیه علیهم‌السلام فلم یزل مجتهدا فی امرهم ساعیا فیما یقربه الی الله عز و جل و الیهم نضر الله وجهه و اقال عثرته».
- [۳۷] تنقیح المقال ممقانی، جلد سوم صفحه ۱۴۹.
- [۳۸] غیبت شیخ طوسی صفحه ۲۱۹ «العمروی و ابنه ثقتان فما اذیا الیکم فعنی یؤدیان و ما قالا لك فعنی یقولان فاسمع لهما و اطعهما فانهما الثقتان المؤمنان».
- [۳۹] همان مدرک صفحه ۲۲۰ «فانه ثقتی و کتابه کتابی».
- [۴۰] تاریخ الغیبة الصغری، محمد الصدر صفحه ۴۰۷.
- [۴۱] غیبت شیخ طوسی صفحه ۲۳۶.
- [۴۲] بحار الانوار، علامه مجلسی، کتاب الغیبة، باب ۲۱ به نقل از غیبت شلمغانی.
- [۴۳] غیبت شیخ طوسی صفحه ۲۴۳ و ۲۴۲. «بسم الله الرحمن الرحیم یا علی بن محمد السیمری أعظم الله اجر اخوانک فیک فانک میت ما بینک و بین ستة ايام فاجمع امرک و لا توص الی احد فیقوم مقامک بعد وفاتک فقد وقعت الغیبة التامة فلا ظهور الا بعد اذن الله - تعالی ذکره - و ذلك بعد طول الامد و قسوة القلوب و امتلاء الارض جورا و سیأتی لشیعتی من یدعی المشاهدة الا فمن ادعی المشاهدة قبل خروج السفیانی و الصیحة فهو کذاب مفتر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم».
- [۴۴] خرایح - قطب‌الدین راوندی، به نقل بحار الانوار علامه مجلسی ج ۱۳ باب ۲۱.
- [۴۵] کشف الغمة ج ۳ المناقب الفصل الثالث صفحه ۴۵۶ مترجمه «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم».
- [۴۶] منتخب الاثر، لطف‌الله صافی گلپایگانی، فصل دوم باب ۲۹ «... فقلت لجعفر الصادق رضی الله عنه: کیف ینتفع الناس بالحجة

الغائب المستور؟ قال كما ينتفعون بالشمس اذا سترها سحب».

[۴۷] رجوع کنید به کتاب «نجم ثاقب» نوشته مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری باب هفتم.

[۴۸] «کشف المحجبه مترجم یا برنامه سعادت» تألیف سید بن طاووس فصل ۷۵ صفحه ۷۴.

[۴۹] کشف الاستار، حاج میرزا حسین طبرسی نوری، فصل اول صفحه ۱۸.

[۵۰] بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۵۳، ص ۱۷۵: «... فانا يحيط علمنا بانباؤكم و لا يعزب عنا شيء من اخباركم، و معرفتنا بالزلل الذي اصابكم، مذ جنح كثير منكم الى ما كان السلف الصالح عنه شاسعا و نبذوا لعهد المأخوذ منهم وراء ظهورهم كأنهم لا يعلمون. انا غير مهملين لمراعاتكم و لا ناسين لذكركم و لو لا ذلك لنزل بكم اللاوا و اصطلمكم الاعداء فاتقوا الله جل جلاله».

[۵۱] از جمله: کمال‌الدین شیخ صدوق، باب ۴۹ - بحار الانوار علامه مجلسی، ج ۱۳ باب ۳۶ احتجاج شیخ طبرسی، ج ۲.

[۵۲] غیبت نعمانی، صفحه ۱۰۷ «یخلصون كما یخلص الذهب».

[۵۳] ریحق مختوم، اشراق خاوری صفحه ۲۲ چاپ اول و صفحه ۳۴ چاپ دوم «الله قد قدر ان ینخرج ذلك الكتاب فی تفسیر احسن القصص من عند محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابیطالب علی عبده لیكون حجة الله من عند الذکر علی العالمین بلیغا».

[۵۴] ملاحسین بشروئی که وی را «باب الباب» می‌گویند همچون دیگر بایان، برخلاف تصور بهائیان، مسلمان و به احکام اسلامی پای بند بود و تنها می‌پنداشت که میرزا علی محمد شیرازی نایب امام (ع) است. در جنگی که به سرکردگی وی در قلعه شیخ طبرسی با قوای دولتیان در گرفت، می‌گفت «آیا چه خلاف و خیانتی از ما صادر شد: مگر حلال خدا را حرام و یا حرامی را حلال کرده‌ایم، اینک از خداوند مقتدر بترسید و از پیغمبر و ائمه اطهار شرم نمائید» صفحه ۱۳۱ ظهور الحق. ملا حسین بشروئی هر روز به برپا داشتن نماز جماعت اسلامی همت می‌گمارد صفحه ۱۳۴ کواکب الدریه ج اول هر چند که نماز جماعت در آئین بابی تحریم شده است - صفحه ۳۲۴ بیان فارسی.

[۵۵] «ذکر» از القاب باب است. اسرار الآثار ذیل کلمه‌ی «ذکر».

[۵۶] اسرار الآثار خصوصی فاضل مازندرانی جلد سوم صفحه ۲۷۴: «ان هذه الصحيفة المخزونة قد انزل الله سبحانه من عنده الى حجة محمد بن الحسن عليهما السلام و لقد اخرجها بقیة الله صاحب الزمان عليه السلام الى بابہ الذکر لتكون حجة الله علی العالمین».

[۵۷] اسرار الآثار خصوصی فاضل مازندرانی جلد دوم صفحه ۶۸ ذیل کلمه بقیة الله.

[۵۸] مقاله شخصی سیاح - عباس افندی صفحه ۴ «یا بقیة الله قد فدیت بلکی لک و رضیت السب فی سیلک و ما تمنیت الا القتل فی محبتک» نویسنده این کتاب در بعضی قسمت‌های آن غرض ورزهایی کرده است، بهترین دلیل آن هم این است که وی بدون اینکه شهری از شهرهای ایران را دیده باشد، در سن نه سالگی از ایران اخراج شده و بعدها بعنوان یک سیاح بی‌غرض که جمیع شهرهای ایران دیده است (صفحه ۲ همین کتاب) دست بپلم برده و کتاب بپلم برده و کتبا نوشته است.

[۵۹] از جمله این افراد می‌توان از ملا عبدالخالق یزدی نام برد، وی نیز تصور می‌کرد میرزا علی محمد شیرازی نایب امام زمان است حتی پسر بزرگ وی نیز در راه بابیت میرزا علی محمد کشته شد اما وقتی خبردار می‌شود که باب ادعای قائمیت کرده از خواب غفلت بیدار شده و می‌فهمد که باب، نه نایب امام و نه خود امام هیچکدام، نمی‌توان باشد: «چون باین آیه عظمی و نفخه کبری رسید انا القائم الحق الذی انتم بظهوره توعدون لوح را انداخت فریادش بلند شد که ای داد که پسر من به ناحق کشته شد» تاریخ ظهور الحق فاضل مازندرانی جلد سوم صفحه ۱۷۳.

E. G. Browne: Mterials For the Study of the Babi Religion, Cambridge University Press, [۶۰]

[۶۱] اصل این دو مکتوب و بعضی مکاتیب رسمی اخیری را که مندرج می‌گردد پس از خلع محمدعلی شاه که مخازن دولتی به تصرف ملتیان درآمد یکی از محبین تاریخ عکس برداشته و منتشر ساخته است.

[۶۲] عباس افندی در کتاب مکاتیب جلد سوم صفحه ۲۷۴ به میرزا مهدی گلپایگانی که کتاب کشف الغطاء را آماده چاپ کردن نموده است می‌نویسد «هر چند ماههای چند زحمت کشیدی و آرام نیافتی و شب و روز کوشیدی و جوشیدی تا آنکه این کتاب مستطاب که آثار اخیر، حضرت ابوالفضائل است جمع شد این کار چون بسیار مهم بود لهذا در پرداختنش هر زحمتی رحمت بود و هر مشقتی راحت، باید در امور، نظر به نتیجه کرد، نه مبادی، هر امر مهمی در وجود در ابتدا نهایت مشقت و بلاست و در انتهای موهبت کبری پس باید به عواقب امور و شئون نظر نمود مقصد این است هر چند عقبه کبری طی نمودید و لکن به نتایج مستحسنه رسیدید و آن بقای آثار آن متصاعد ملکوت اسرار است یک نسخه از آن کتاب باید به ارض اقدس فرستاده شود و از طهران خواهم خواست و یقین است که نتایج عظیمه خواهد داشت و چون ترویج گردد نهایت سرور و جهور از برای شما حاصل شود».

[۶۳] منتخب الاثر - لطف الله صافی گلپایگانی - فصل هفتم.

[۶۴] الزام الناصب فی اثبات حجه الغائب - الشيخ علی یزدی حائری - ص ۵: «من مات و لیس له امام فمیته میتة جاهلیة».

[۶۵] منتخب الاثر - فصل دهم - باب پنجم - «من مات و لیس له امام فموتة میتة جاهلیة و لا یعذر الناس حتی یعرفوا امامهم».

[۶۶] کمال الدین - شیخ صدوق - ص ۳۳۶: «المنتظر لامرنا کالمتشطح بدمه فی سبیل الله».

[۶۷] بحار الانوار - علامه محمدباقر مجلسی - جلد ۵۲ - ص ۱۲۶: «من مات منکم، و هو منتظر لهذا الامر، کمن هو مع القائم فی فسطاطه قال: ثم مکث هنیئاً، ثم قال - بل کمن قارع معه بسیفه - ثم قال - لا والله، الا کمن استشهد مع رسول الله».

[۶۸] کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم بن جعفر النعمانی، ص ۱۰۶: «من سره ان یکون من اصحاب القائم فلیتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر فان مات و قام القائم بعده کان له من الاجر مثل اجر من ادرکه فجدوا و انتظروا هنیئاً لکم ایتها العصابة المرحومة».

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

